

آسیب شناسی اقتصاد ملی از نگاه اقتصاد مقاومتی در حوزه بین‌الملل

علی اکبر حافظیه^۱، یونس گلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۸

چکیده

هدف اصلی برای مطالعه حاضر بررسی آسیب‌شناسی اقتصاد ملی از نگاه اقتصاد مقاومتی در سه حوزه تنوع‌سازی صادرات، واردات و قاچاق است، شواهد برای اقتصاد ایران نشان می‌دهد که تنوع‌سازی صادرات و واردات کاهش یافته است، به طوری که سهم واردات از دو کشور چین و امارات در سال ۱۳۹۳ معادل ۴۷ درصد و سهم کالاهای وابسته به نفت در صادرات ایران معادل ۴۵ درصد است، میزان حجم قاچاق واردات برآورد شده از تحلیل ثانویه در سال ۱۳۹۳ برابر با ۲۷ میلیارد دلار بوده و کل قاچاق برآورد شده از مدل MIMIC معادل ۲۵ میلیارد دلار است، بنابراین بالا بودن قاچاق و عدم ثبات درآمد ارزی موانع اصلی برای تحقق اقتصاد مقاومتی هستند، تنوع‌سازی صادرات و مبادی واردات، تقویت روحیه جهادی مصرف‌کننده و تولیدکننده، تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه، ایجاد مزیت در صادرات صنعتی از جمله سیاست‌های بهینه در جهت کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد است.

طبقه‌بندی JEL: F10, F13, O57.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تنوع صادرات، تنوع واردات، قاچاق.

Email: ahafzie@ihu.ac.ir

Email: younes.goli67@gmail.com

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه امام حسین (ع)

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از عواملی که باعث اثرگذاری تحریم بر وضعیت اقتصادی کشور در سال‌های اخیر شده است، نوع ساختار اقتصاد و رفتار جامعه است، هر چه ساختار اقتصاد به صادرات تک محصولی و واردات کالاهای استراتژیک وابستگی بیشتری داشته باشد، و رفتار آحاد جامعه، مصرفی باشد، آسیب‌پذیری نیز به همان نسبت افزایش می‌یابد. دو رکن اصلی برای اقتصاد مقاومتی، تقویت تولید ملی و فرهنگ جهادی است، جهاد در ابعاد مختلف قابل تعریف است، جهاد مصرف‌کننده به معنای کاهش مصرف کالاهای لوکس و کاهش مصرف کالاهای خارجی و جهاد تولیدکننده به معنای تولید با کمترین هزینه و بالاترین کیفیت است، در واقع دو رکن اصلی برای اقتصاد مقاومتی وابسته به هم هستند، کشورهای توسعه یافته کنونی از قبیل کره جنوبی و ژاپن نیز قبلاً فرهنگ جهادی را برای پیشرفت اقتصادی خود به کار گرفته‌اند که همواره جهاد تولیدکننده در کنار جهاد مصرف‌کننده بوده، به طوری که ژاپنی‌ها در زمانی مصرف کالای خارجی را ممنوع کرده و از کالاهای بی کیفیت داخلی مصرف کرده و کالاهای با کیفیت بالا را به بازارهای جهانی صادر کرده است.

تنوع پذیری صادرات ثمره تقویت تولید ملی بوده و به عنوان عامل ایجاد ثبات درآمدی ارزی همواره مورد توجه است، و قاچاق نیز نمودی از رفتار مصرفی جامعه بوده و پایین بودن روحیه جهادی مصرف‌کننده را نشان می‌دهد. شواهد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که کاهش درآمد نفتی از میزان ۱۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به رقم ۶۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ باعث شده است که رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۱ برابر با ۶/۸- درصد باشد، این تغییرات نشان می‌دهد که هنوز اقتصاد ایران دارای وابستگی بالایی به درآمد نفتی است و از این جهت اقتصاد ایران دارای آسیب‌پذیری بالایی است، حال اینکه اقتصاد ایران نه در حال حاضر بلکه اغلب در معرض تهدید خارجی قرار دارد، و تعیین آسیب‌هایی که اقتصاد را در حوزه بین‌الملل مورد تهدید قرار می‌دهند امری لازم و ضروری است، مطالعه‌ی حاضر، آسیب‌پذیری اقتصاد در حوزه بین‌الملل از نگاه اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی مطلوب توسعه اقتصادی را بررسی می‌کند، آسیب‌هایی از قبیل عدم ثبات درآمد ارزی، عدم تنوع در مبادی ورودی کالا و بالا بودن حجم قاچاق، اقتصاد ملی را مورد تهدید قرار می‌دهد. لذا مطالعه حاضر با مبنا قرار دادن بندهای اقتصاد مقاومتی و داده‌های منتشر شده اقتصاد ایران به بررسی آسیب‌پذیری اقتصاد در سه حوزه اشاره شده می‌پردازد.

۱. مروری بر ادبیات موضوع

۱-۱. مبانی نظری اقتصاد مقاومتی

مفاهیمی مشابه اقتصاد مقاومتی از حدود سال ۲۰۰۶ میلادی در برخی گزارش‌های بین‌المللی ظاهر شد، اما آنچه در ایران تحت این عنوان می‌شناسیم، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده در بهمن سال ۱۳۹۲ است (معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۳)، این سیاست‌ها، نه خاص اقتصادهای دچار تحریم،



بلکه دارای کاربرد برای تمام اقتصادهایی است که تمایل دارند همواره رشد اقتصادی و استقلال اقتصادی را تجربه نمایند. اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری دارای تفاسیری از قبیل اقتصاد شکوفا و دارای رشد در شرایط فشار و تحریم، اقتصاد مقاوم، غیرقابل نفوذ و غیرقابل تاثیر از سوی دشمن است، صاحب‌نظران مختلف نیز اقتصاد مقاومتی را به صورت‌های متعددی تفسیر کرده‌اند، اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است (خوش چهره ۱۳۹۱). به طور کلی اقتصاد مقاومتی به معنای انعطاف‌پذیری در مقابل شوک‌های خارجی و عکس‌العمل مناسب به آن برای کاهش اثر گذاری شوک‌های منفی بر اقتصاد قابل تفسیر است.

بندهای مورد بررسی اقتصاد مقاومتی که به حوزه بین‌الملل مربوط بوده و در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرند، شامل ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص (بند ۶)، مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز (بند ۱۳)، مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید (بند ۸)، است، بند ۶ از اقتصاد مقاومتی، تنوع‌سازی مبادی واردات، بند ۱۳ تنوع‌سازی صادرات و بند ۸ تقویت روحیه جهادی و کاهش قاچاق را برای اقتصاد ملی پیشنهاد می‌دهد.

۱-۲. شاخص آسیب‌پذیری بر گولگیو و همکاران (۲۰۰۶)

بر گولگیو و همکاران (۲۰۰۶) عامل‌های آسیب‌پذیری بیرونی که اقتصاد را در معرض خطر قرار می‌دهند را در دو عامل وابستگی به صادرات تک محصولی و واردات کالاهای استراتژیک و سرمایه‌ای طبقه‌بندی می‌کند، وابستگی حداقل نیمی از صادرات کشور به یک محصول خاص موجب خواهد شد که در صورت ایجاد اختلال در صادرات آن محصول، هم‌بخش وسیعی از تولید و اشتغال داخل و هم سهم قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور دچار نقصان گردد. وابستگی به صادرات یکی از آسیب‌های اقتصاد به شمار می‌رود و اقتصاد را در معرض شوک‌های ناشی از تحریم خرید کالا قرار می‌دهد، گرچه تجارت آزاد و تعاملات گسترده با اقتصاد جهان باعث افزایش رفاه جامعه شده و درآمد کشور را از طریق صادرات افزایش می‌دهد. اما محدود بودن کالاهای صادراتی و یا مقصد صادرات باعث افزایش ریسک تجارت بین‌المللی می‌شود. تنوع بخشیدن به صادرات با تقویت بخش تولید و خدمات از طریق حمایت‌های مالی، افزایش بهره‌وری و داشتن بنیان کردن اقتصاد قابل تحقق است. متنوع بودن بازار صادرات موجب آن می‌شود که با تحریم، شوک درآمدی از ناحیه صادرات به کشور وارد نشود.

در واقع به واسطه سه کانال، تنوع سازی صادرات می تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد، کانال اول به این صورت است که افزایش تنوع سازی صادرات باعث بهبود رابطه مبادله در کشورهای در حال توسعه می شود، مطالعات پریش و سینگر^۱ (۱۹۵۰) نشان می دهند که تمرکز کشورهای در حال توسعه بر تولیدات اصلی که حجم عمده ای از صادرات را به خود تخصیص داده است، باعث تضعیف رابطه مبادله، تلاطم درآمد و در نهایت کاهش رشد اقتصادی می شود. با این وجود افزایش تنوع سازی صادرات به خصوص در کالاهای کارخانه ای باعث بهبود رابطه مبادله می شود. دومین کانال به این صورت است که هر چه میزان تنوع صادرات افزایش یابد، ریسک بی ثباتی صادرات کاهش می یابد، با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه با محدودیت منابع مواجه هستند، صادرات به عنوان منبع مهم ارز خارجی برای واردات کالاهای سرمایه ای تلقی می شود، لذا هر چه تعداد کالاهای قابل صادراتی کاهش یابد، ریسک در معرض کشش بالای تقاضا و نوسان قیمت بین المللی افزایش می یابد، این اثر در ادبیات مالی به عنوان اثر پرتفولیو شناخته شده است، (فریرا^۲، ۲۰۰۹). کانال سوم به این صورت است که هر چه تنوع سازی فعالیت های اقتصادی افزایش یابد، اثرات سرریز دانش برای سایر بخش های اقتصادی ایجاد می شود، منبع مهم برای اثرات سرریز افزایش بهره وری ناشی از تکنولوژی جدید، مدیریت جدید، آموزش نیروی کار و غیره است، در واقع به دلیل وجود چنین اثرات سرریزی، بهره وری در اقتصاد افزایش و بنابراین رشد اقتصادی افزایش می یابد.

جنبه دیگر خطر پذیری اقتصاد وابسته بودن اقتصاد به کالاهای استراتژیک و سرمایه ای است. این وابستگی اقتصاد را در معرض شوک ناشی از تحریم صادرات این دسته از کالاها به داخل کشور قرار می دهد. در اینجا شوک به صورت افزایش هزینه های تولید و کاهش تولید ناخالص ملی صورت می گیرد. همچنین اگر این وابستگی از طریق چند کشور محدود برطرف شود، خطر بروز شوک چندین برابر می شود. در تجارت بین المللی اصل بر این است که شرکای تجاری خود را گسترده کنیم و سطح تعاملات تجاری خود را با هر کشور از حد معینی بالاتر ببریم که در صورت تحریم و یا بروز شوک، اقتصاد دچار تلاطم شدید نشود و بتواند به راحتی به دنبال جایگزین مناسب باشد.

۱-۳. قاچاق

قاچاق به معنای ربودن و عملی پنهانی و همچنین گریزان بودن است، و در اصطلاح گمرکی، به عنوان تقلب در نقل و انتقالات کالا، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی محسوب می شود (جلیلی ۱۳۹۵)، بدیهی است که هر کالایی که وارد کشور شده و معاملات آن، به طور غیرقانونی از سوی دولت ممنوع است، قاچاق تلقی می گردد، انواعی مختلفی از قاچاق از قبیل (۱) قاچاق محصولات قانونی (۲) واردات قاچاق محصولات غیرقانونی (۳)

1. Prebisch and Singer (1950)
2. Ferrira (2009)



صادرات قاچاق کالاهای غیرقانونی (۴ قاچاق محصولات انحصاری ۵) فعالیت‌های ویژه وجود دارد، دولت‌ها براساس صادرات و واردات محصولات قانونی، درآمدهای مالیاتی و عوارض دریافتی از آن در درآمدهای سالیانه خود در نظر می‌گیرند، که قاچاق باعث کاهش این نوع از درآمدها می‌شود.

۴-۱. مروری بر مطالعات انجام شده

نعمت‌اللهی و گرشاسبی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای برای ایران نشان می‌دهند که تنوع پذیری کشوری در صادرات غیرنفتی با وضع تحریم‌های جدید به شدت کاهش یافته و تنوع پذیری کالایی صادرات غیرنفتی بعد از تحریم بهبود یافته است. آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای با استفاده داده‌های کشورهای عضو دی هشت طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۹ و روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهند که متنوع سازی صادرات باعث افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود. تقی‌پور و موسوی (۱۳۸۰) طی دوره زمانی ۱۳۷۸-۱۳۵۸ نشان می‌دهند که متنوع سازی در ترکیب صادرات باعث افزایش درآمد ارزی ایران می‌شود. معمارنژاد و همکاران (۱۳۸۸) نیز با استفاده از داده‌های در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۸ نشان می‌دهند که تنوع سازی منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود. براساس مطالعه ملتیز (۲۰۰۳)، افزایش در تنوع سازی صادرات باعث بالا بودن بهره‌وری در اقتصادهای صادراتی نسبت به اقتصادهای غیرصادراتی می‌شود، چنین نتایجی در مطالعات فینسترا (۲۰۱۰) نیز تأیید شده است. تنوع سازی صادرات همچنین می‌تواند ریسک در معرض شوک‌های خارجی و تلاطم متغیرهای کلان اقتصاد را کاهش داده و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد، شواهد اقتصادی نیز نشان می‌دهد که کشورهای توسعه یافته کنونی به واسطه افزایش تنوع سازی صادرات، سطح بالایی از رشد اقتصادی را تجربه کرده‌اند (اگوسین و همکاران ۲۰۱۲). لدرمن و مالونی (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که افزایش تنوع سازی صادرات باعث کاهش اثر منفی وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی می‌شود.

قاچاق نیز یکی از موضوعاتی است که همواره در محافل علمی بررسی شده است، اشنایدر و انست (۲۰۰۰) با استفاده از داده‌های ۷۶ کشور جهان نشان می‌دهند که حجم اقتصاد زیرزمینی هم به صورت نسبی و هم به صورت مطلق افزایش یافته است. باهون و فرزنگان (۲۰۱۲) با بررسی قاچاق در ۵۴ کشور در طول دوره ۱۹۹۹-۱۹۹۱ نشان می‌دهند که کشورهای کامرون، کنیا و پاکستان دارای بیشترین میزان قاچاق هستند، و کشورهای سوئیس، فنلاند و سوئد دارای کمترین قاچاق در جهان هستند. پورکاظمی و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای نشان می‌دهند، که اندازه نسبی قاچاق واردات به واردات رسمی به طور متوسط از ۱۹/۳ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۲۷/۶ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. حسن و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که سهم اقتصاد سایه از اقتصاد رسمی از مقدار ۳۵ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۲۳ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است، صامتی

1. Lederman and Maloney(2003)
2. Schneider and Enste (2000)

و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که میانگین حجم قاچاق کالا در دوره ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴ معادل ۱۷/۵۴ درصد از اقتصاد رسمی است. علیزاده و غفاری (۱۳۹۲) نشان می‌دهند که میانگین اندازه اقتصاد زیرزمینی در طول دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۲ برابر با ۲۷ درصد تولید ناخالص داخلی است.

۲. روش تحقیق

در این مطالعه تنوع سازی صادرات، تنوع سازی واردات و قاچاق مورد بررسی قرار می‌گیرد، برای بررسی تنوع سازی از شاخص تمرکز هرfindal-هیرشمن بر طبق فرمول (۱) استفاده می‌شود، در این معادله S سهم صادرات یا واردات کالای k را از کل صادرات نشان می‌دهد، n تعداد کالاهای صادر یا وارد شده را نشان می‌دهد.

$$H^* = \frac{\sum_k (S_k)^2 - 1/n}{1 - 1/n} \quad (1)$$

برای بررسی قاچاق از دو روش آماری و مدل MIMIC استفاده می‌شود، روش MIMIC مبتنی بر متغیر پنهانی است که یک سری عوامل آن را تعیین می‌کنند و بر یک سری متغیرهای دیگر اثر گذار است، برای برآورد قاچاق از نرم افزار لیزرل^۲ استفاده می‌شود. در واقع مدل MIMIC شامل مدل معادلات ساختاری و مدل اندازه‌گیری است. در مدل ساختاری عوامل موثر بر قاچاق مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مدل اندازه‌گیری اثر قاچاق بر روی یک سری متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

$$\gamma = \beta_1 x_1 + \beta_2 x_2 + \beta_3 x_3 + \dots + \beta_n x_n + \vartheta \quad (2)$$

$$y_1 = \alpha_1 \gamma + \varepsilon_1, y_2 = \alpha_2 \gamma + \varepsilon_2, \dots, y_p = \alpha_p \gamma + \varepsilon_p \quad (3)$$

در معادله ساختاری (۲)، x بردار متغیرهای مؤثر بر قاچاق هستند و γ شاخص قاچاق است، ϑ قسمت غیرقابل توضیحی قاچاق است، معادله سوم، مدل‌های اندازه‌گیری هستند، که اثر قاچاق بر روی متغیرهای تعیین شده (درآمد دولت و مصرف فرآورده‌های انرژی) مورد بررسی قرار می‌گیرد، ε خطای متغیر اندازه‌گیری است. متغیرهای اثرگذار بر قاچاق شامل حاشیه سود بازار سیاه برای ارز، تولید ناخالص داخلی سرانه، بیکاری، درجه باز بودن، نرخ سواد، و بار مالیاتی واردات است و برای متغیرهای تحت تاثیر قاچاق از درآمد دولت و مصرف انرژی استفاده شده است.

1. Multiple Indicators Multiple Causes
2. Lisrel 8.80



۳. تحلیل نتایج برآوردها

۳-۱. تنوع پذیری واردات

سهم عمده‌ای از نیاز اقتصاد کشور به صورت واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای برای تغذیه بخش تولید اقتصاد است. براساس داده‌های بانک مرکزی سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در کل واردات رسمی کشور در سال ۱۳۸۹ برابر با ۷۷ درصد و این مقدار در سال ۱۳۹۳ به مقدار ۸۲/۵ درصد افزایش یافته است، در واقع این آمارها نشان دهنده وابستگی بالای اقتصاد به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و به عبارتی کالاهای استراتژیک است، اگر چه وارد شدن کالاهای سرمایه‌ای در اقتصاد نشانگر تولیدی بودن فعالیت‌های اقتصادی است، اما هر گونه تحریم و فشار از سمت کشورهای صادرکننده کالاهای سرمایه‌ای به ایران باعث افزایش زیان کشور و هزینه‌های تمام شده واردات خواهد شد. در دنیایی که رقابت رو به افزایش است و کشورها با استفاده از نوآوری و تولید کالای باکیفیت درصدد تسخیر بازارهای جهانی هستند، کشورهای واردکننده سرمایه نباید نیازهای وارداتی خود از مبادی منحصری تأمین کنند، ایجاد انحصار و یا به عبارتی کاهش تنوع واردات از نظر مبادی ورودی و کالایی باعث افزایش ریسک تولیدکنندگان نسبت به هزینه تأمین نیازهای اولیه است، در واقع ساختار تولید در اقتصاد ایران طوری است که در مقطع زمانی کنونی، راه هموار برای افزایش بهره‌وری تولید، تنوع مبادی برای واردات است. اما متأسفانه علی‌رغم تأکید مقام معظم رهبری در افزایش تنوع مبادی واردات، شواهد نشان دهنده آسیب پذیری اقتصاد از این ناحیه است و این منجر به افزایش قدرت چانه‌زنی قدرت‌های مقابل شده، و هزینه تولید را برای اقتصاد ایران افزایش می‌دهد.

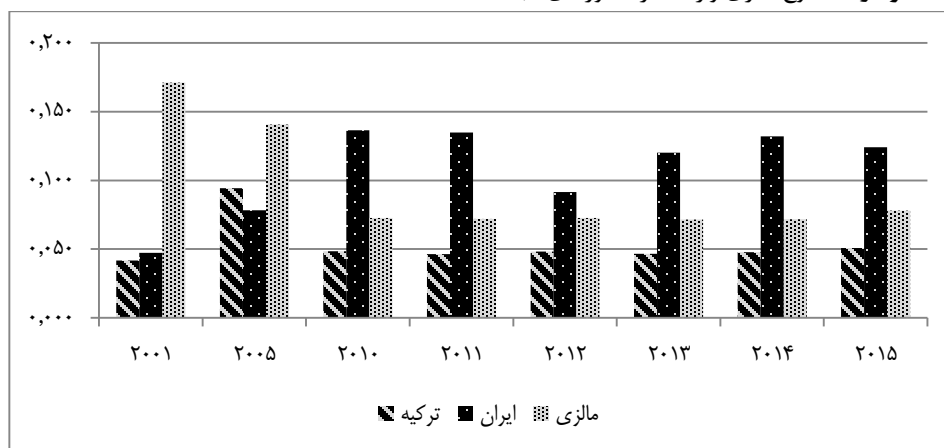
بررسی تنوع پذیری واردات از دو منظر مبادی ورودی و کالایی قابل بررسی است، برای قابلیت مقایسه از داده‌های دو کشور مالزی و ترکیه نیز استفاده شده است. شواهد موجود برای اقتصاد ایران در دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ در نمودار (۱) نشان می‌دهد که شاخص تمرکز هرفیندال-هیرشمن واردات از کشورهای مبدأ برای ایران بالاتر از سایر کشورها است و این یکی از نقاط آسیب‌پذیر برای اقتصاد ایران است، بالا بودن شاخص تمرکز از دو جنبه قابل بررسی است، ابتدا اینکه کشورهای شریک تعداد کمتری هستند و به راحتی می‌توانند هر اقدام هزینه‌زایی را برای کشور ایران انجام دهند، در واقع هماهنگی بین آنها برای کسب منفعت بیشتر به سهولت امکان پذیر است، همچنین پایین بودن تعداد شرکای تجاری ایران، باعث افزایش هزینه واردات و کاهش در دامنه انتخاب برای واردات باکیفیت خواهد شد که ممکن است، هزینه‌های تولید را به طور سرسام آوری افزایش دهد. این واقعیت‌ها با اقتصاد مقاومتی ناسازگار است. ترکیه دارای کمترین تمرکز است و این به عنوان یکی از مزیت‌های اقتصادی کشور تلقی می‌شود. در واقع ایران در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ دارای شاخص تمرکز کمتری بوده است، اما در سال‌های بعد به دلیل افزایش تحریم‌ها و کاهش روابط با سایر کشورها میزان تنوع واردات به طوری معناداری کاهش یافته است. بیشترین تمرکز واردات در سال ۲۰۱۰ بوده و مقدار آن برابر با ۰/۱۳۷ است و در سال ۲۰۰۱ کمترین میزان بوده و برابر با ۰/۰۴۷ بوده است. اما اقتصاد ترکیه روند همواری را طی کرده است و



اقتصاد مالزی نیز روندی کاهشی را طی کرده است. به طوری که مقدار شاخص تنوع در سال ۲۰۰۱ برابر با ۰/۱۷۱ بوده و مقدار این شاخص در سال ۲۰۱۴ به مقدار ۰/۰۷۲ کاهش یافته است.

احتمالاً یکی از دلایل افزایش رشد اقتصادی کشورهای مالزی و ترکیه استفاده از فرصت ایجاد رقابت جهانی برای برای تصرف بازارهای بین‌المللی است، در واقع این کشورها با تنوع سازی مبادی ورودی کالاها توانسته‌اند بهترین کالاها را با قیمت پایین وارد کنند و از این نظر هزینه تولید خود را کاهش داده و رشد اقتصادی بالایی را تجربه نماید، اقتصاد ایران نیز نباید فرصت‌های موجود را برای افزایش کارایی تولید به واسطه افزایش تمرکز نادیده بگیرد.

نمودار-۱. تنوع سازی واردات از کشورهای مبدأ



منبع: محاسبات محقق از داده‌های گمرک

بررسی توزیع واردات در بین کشورهای مختلف، نیز دارای اهمیت است شواهد نشان می‌دهد، در سال ۲۰۰۱ سهم ۵ شریک بزرگ تجاری ایران برابر با ۳۷ درصد از کل واردات است، طوری که سهم آلمان برابر با ۱۰ درصد و سهم امارات و ژاپن به ترتیب برابر با ۹ و ۷ درصد است. اما در سال ۲۰۱۰ سهم امارات و چین از کل واردات ایران به ترتیب برابر با ۳۳ و ۹ درصد است، و در سال ۲۰۱۵ برابر با ۱۹ و ۲۵ درصد است، به عبارتی سهم دو کشور تقریباً ۵۰ درصد است. در اینصورت کشورهای مذکور می‌توانند هزینه‌ی بالایی را بر اقتصاد ایران تحمیل نمایند، و برای هر واحد واردات مشخص قیمت بالاتری را از کشور مطالبه نمایند. این در حالی است که در کشور مالزی در سال ۲۰۱۴، سهم واردات از ۱۰ کشور برابر با ۷۰/۳ درصد است در این بین واردات از چین و سنگاپور به ترتیب برابر با ۱۶/۹ و ۱۲/۶ درصد است، اما در سال ۲۰۱۵ سهم ۱۰ کشور بزرگ در کل واردات مالزی برابر

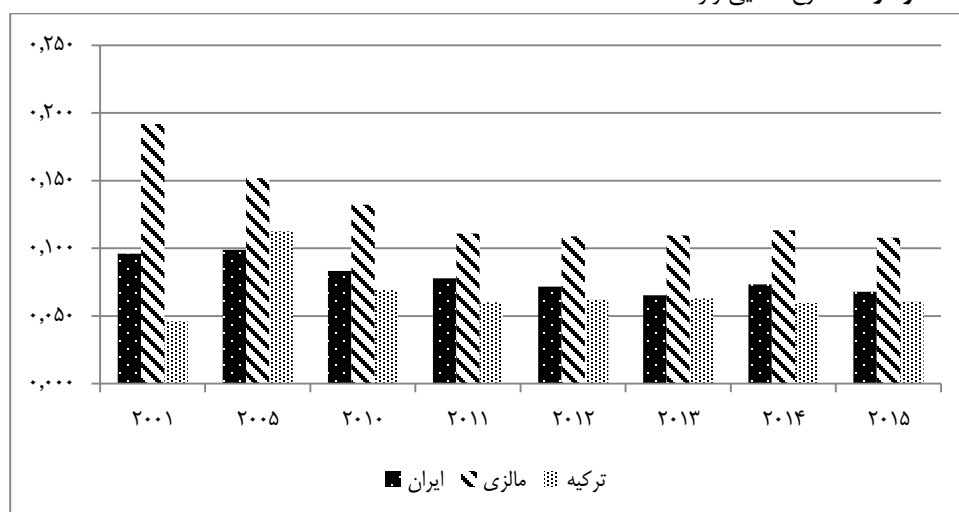
با ۷۳/۴ درصد است، و سهم کشور چین و سنگاپور، دو شریک بزرگ مالزی برابر با ۱۸/۹ و ۱۲ درصد است. سهم ۱۰ کشور بزرگ وارد کننده به ترکیه در سال ۲۰۱۰ برابر با ۵۸/۷ درصد است، و سهم واردات از روسیه و آلمان به عنوان دو شریک بزرگ به ترتیب برابر با ۱۱/۶ و ۹/۵ درصد است اما در سال ۲۰۱۵ شریکای اصلی ترکیه، چین و آلمان است که چین سهم ۱۲ درصدی و آلمان سهم ۱۰/۳ درصدی را در واردات ترکیه دارند، به طور کلی مجموع سهم دو شریک بزرگ ترکیه در سال ۲۰۱۰ برابر با ۲۱/۱ درصد و در سال ۲۰۱۵ دارای ۲۲/۳ درصد هستند که این نشان می‌دهند که کشورهای مذکور دارای وضعیت بهتری به لحاظ شرکای تجاری دارند.

بررسی تنوع کالایی واردات نیز برای تحلیل نوع وابستگی اقتصاد کشور نیز دارای اهمیت است، شواهد در نمودار (۲) نشان می‌دهد که کشور ایران نسبت به ترکیه در موقعیت ضعیف‌تری و نسبت به کشور مالزی در موقعیت قوی‌تری قرار دارد، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ روند تمرکز کالایی واردات کاهش یافته و در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ افزایش یافته و سپس در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته است. بررسی سهم انواع کالا می‌تواند نتایج بهتری را برای اقتصاد کشور ارائه دهد، برای مثال سهم واردات دانه گندم سخت در کل واردات ایران برابر ۴ تا ۵ درصد است و در کل ارقام HS دو رقمی سهم غلات در طی دوره مختلف رو به افزایش بوده است طوری که این سهم در سال ۱۳۸۰ برابر با ۲ درصد، سال ۱۳۸۹ برابر با ۴ درصد و در سال ۱۳۹۳ این سهم برابر با ۱۱ درصد است. همچنین بررسی واردات کالاهای لوکس نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۴ سهم واردات خودرو (سواری) برابر با ۰/۲ و در سال ۱۳۹۳ برابر با ۴ درصد کل واردات کشور است، بالا بودن سهم واردات کالاهای لوکس و ضروری در حدود ۱۰ درصد در حالی است که اقتصاد مقاومتی معتقد است برای کاهش آسیب پذیری اقتصاد، واردات کالاهای لوکس و ضروری باید کاهش یابد.

این نوع ترکیب تجاری برای اقتصاد ایران، هم از نظر شرکای تجاری و هم از نظر نوع کالا اثرات مضر را بر اقتصاد خواهد داشت، واردات غلات به دلیل ضروری بودن و استراتژیک بودن برای اقتصاد ضرر دارد و واردات کالاهای لوکس نیز به دلیل خروج حجم عظیمی از ارز برای کشور دارای زیان است، دلایل متعددی برای افزایش واردات کالاهای لوکس از قبیل افزایش نقدینگی در جامعه، افزایش تلاطم بازار ارز و افزایش رانت در بازارهای غیرمولد قابل ذکر است، افزایش نقدینگی در اقتصاد ایران به طور کلی بالاتر از میزان تولید واقعی بوده است این در حالی است که به دلیل بالا بودن نرخ تورم در ایران و افزایش سرعت گردش پول نباید شکاف چندانی بین تولید و نقدینگی وجود داشته باشد، و در کشوری که تولید رونق نداشته باشد منابع مالی به سمت بازارهای بدون ارزش افزوده جذب شده و بازدهی بالایی را کسب می‌نماید، تلاطم در بازار ارز از یک طرف باعث رکود در فعالیت‌های تولیدی می‌شود و از طرف دیگر سودآوری فعالیت‌های ارزی را افزایش می‌دهد باعث افزایش سطح درآمدها شده و بازدهی بسیار بالایی را برای افراد به دست می‌دهد، افزایش رانت در بازارهای مسکن و غیره نیز باعث افزایش درآمدها نه به ازای تولید بلکه به دلیل واسطه‌گری می‌شود و این مجموعه‌ی افزایش درآمدها بر طبق نظریه مصرف فریدمن باعث افزایش مخارج مصرفی شده و به سمت مصرف کالاهای لوکس جذب خواهند

شد. یک سیاست بهینه برای کاهش واردات کالاهای لوکس انضباط پولی دولت‌ها، نقدینگی متناسب با نیازهای تولیدی، کاهش رانت در بازارهای دارای ارزش افزوده پایین و همچنین افزایش کیفیت محصولات داخلی و جایگزین واردات است، خودرو به عنوان بخشی از اقتصاد که دارای بیشترین پیوندهای پیشین و پسین است، افزایش کیفیت در چنین صنعتی باعث افزایش رشد و توسعه اقتصادی، کاهش بیکاری و کاهش واردات کالاهای لوکس می‌شود.

نمودار-۴. تنوع کالایی واردات



منبع: محاسبات محقق از داده‌های گمرک

بررسی اقتصادهای ترکیه و مالزی نشان می‌دهد که در مالزی تنها یک درصد از واردات کل به کالاهای لوکس از قبیل خودرو تخصیص دارد، در اقتصاد ترکیه ۴ درصد کل واردات به کالاهای لوکس اختصاص دارد و سوخت‌های معدنی یکی از اصلی‌ترین اقلام وارداتی برای اقتصاد ترکیه است، و اقلام بعدی شامل ماشین آلات و لوازم مکانیکی و اجزاء و قطعات آن‌ها است. مقایسه ترکیب واردات کشورها نشان دهنده مصرف‌گرایی در ایران است، اما واردات ترکیه از نوع تولیدی است.

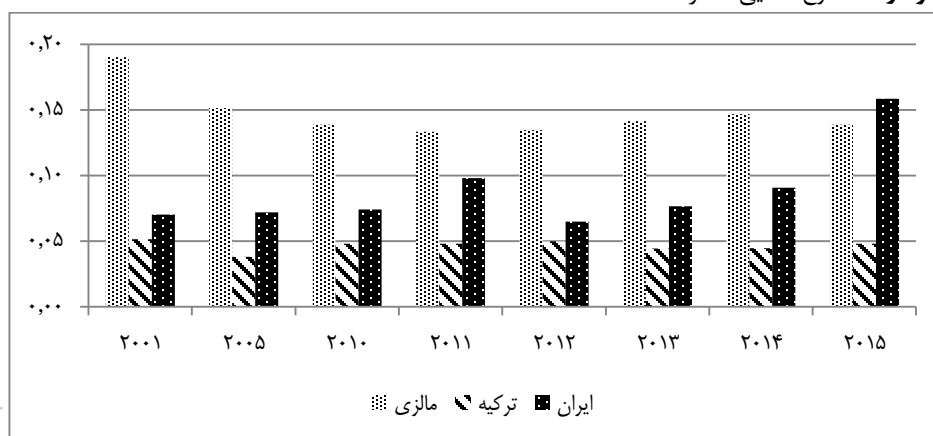


۲-۳. تنوع‌پذیری صادرات

تحریم اقتصادی در سال‌های اخیر باعث کاهش درآمد دولت، عدم تأمین مالی فعالیت‌های مختلف و رشد اقتصاد منفی در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ شده است، چرایی اثرگذاری بالای تحریم بر درآمد دولت و بنابراین رشد اقتصادی دارای نکاتی است که برای آینده اقتصاد ایران مهم و ضروری است، وابستگی درآمد دولت به صادرات نفت و وابستگی تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی به درآمد حاصل از نفت یکی از دلایل مهم برای اثرگذاری بالای تحریم بر فعالیت اقتصادی است، بنابراین راه‌حل جبران نوسان درآمد و یا کاهش درآمد نفتی، صادرات محصولات متنوع و افزایش شرکای تجاری در صادرات و به خصوص کشورهای منطقه است، تنوع‌پذیری صادرات منابع و پایداری درآمدها را افزایش می‌دهد. تک محصولی بودن بسیاری از کشورها آسیب‌پذیری آن‌ها را افزایش داده است.

نتایج حاصل از شاخص تمرکز هر فیندال-هیرشمن برای صادرات کالاها در نمودار (۳) نشان می‌دهد که صادرات در ایران نسبت به کشور ترکیه از تنوع بالایی برخوردار نیست، اما نسبت به اقتصاد مالزی به غیر از سال ۲۰۱۵ بهتر است و در سال ۲۰۱۵ مقدار شاخص تمرکز برای ایران در بیشترین مقدار برابر با ۰/۱۵۹ است. اما تغییرات شاخص تمرکز اطلاعات مفیدی را در مورد ساختار صادرات یک کشور ارائه نمی‌دهد، چرا که بسیاری از کشورها بر مبنای مزیت نسبی در تولید و صادرات کالاهایی خاص متمرکز می‌شوند، و در این موارد ممکن است شاخص تمرکز بالاتر به معنای آسیب‌پذیر بودن اقتصاد نباشد. در واقع تئوری کلاسیک تجارت بیان می‌کند که الگوی تجارت کشورها بایستی براساس مزیت نسبی باشد، چرا که سودآوری بیشتر و هزینه فرصت کمتری را برای اقتصاد دارد.

نمودار-۳. تنوع کالایی صادرات



منبع: محاسبات محقق از داده‌های گمرک

با توجه به اینکه شاخص تمرکز هر فیندال-هیرشمن به مزیت نسبی کشورها بی تفاوت است، لذا بررسی ترکیب صادرات کشور دارای دلالت‌های بهتری است، بر این اساس هر چه سهم صادرات مبتنی بر تکنولوژی از کل صادرات افزایش یابد، آسیب پذیری اقتصاد کاهش می‌یابد و هر چه میزان تمرکز صادرات بر مواد خام و معدنی و فرآورده‌های نفتی باشد، آسیب پذیری اقتصاد افزایش می‌یابد، بررسی الگوی صادرات در سال‌های اخیر نیز نشان دهنده آسیب پذیری بالای اقتصاد از ناحیه کسب درآمد صادرات است، براساس جدول (۱) ترکیب صادراتی کشور به سمت کالاهای وابسته به نفت رفته است، و در سال ۱۳۹۴ سهم سوخت‌های صنعتی بالغ بر ۳۵ درصد است که بالا بودن شاخص تمرکز را نیز تأیید می‌کند. این شواهد برخلاف اهداف اقتصاد مقاومتی است، اقتصاد مقاومتی بر آنست که سهم کالاهای صنعتی را در کل صادرات افزایش دهد، در پی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و از دست دادن بسیاری از شرکای تجاری، ترکیب صادرات کالایی کشور وضعیت مناسبی را تجربه نکرده است.

شواهد حاصل از داده‌های اداره گمرک نشان می‌دهد، که در سال ۱۳۸۰ بیشترین صادرات متعلق به فرش است، طوری که سهم صادرات فرش از کل صادرات در سال ۱۳۸۰ برابر با ۱۵ درصد و در سال ۱۳۹۴ برابر با ۱/۶ درصد است، همچنین سهم صادرات فرش ایران از کل صادرات فرش جهان در سال ۱۳۸۰ برابر با ۹ درصد بوده و در سال ۱۳۹۳ این سهم به ۴ درصد کاهش یافته است، یکی از دلایل اصلی برای کاهش توان ایران در صادرات فرش در سال‌های اخیر، عدم حمایت از تولید کنندگان فرش و وارد کردن بی‌رویه فرش ماشینی بوده است. همچنین یکی از اقلام صادراتی ایران در سال‌های اخیر، میوه‌های خوراکی بوده است که سهم آن از ۱۳/۱ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۵/۴ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است، افزایش جمعیت و تغییر شیوه زندگی مردم از لحاظ تنوع غذایی و همچنین خشکسالی‌های پی در پی باعث کاهش صادرات میوه در ایران شده است، به کارگیری روش‌های جدید در آبیاری و همچنین افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی نقش مهمی در افزایش صادرات میوه‌ها دارد.

جدول-۱. ترکیب صادرات کشور در دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ (ارقام به درصد)

۱۳۸۰	۱۳۸۴	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
۱۴	۱۸	۲۵	۱۶	۱۷	۲۰	۳۵/۳	سوخت‌های صنعتی، مواد قیری و معدنی
۱۵	۶	۲/۶	۲/۵	۲	۱/۸	۱/۶	فرش و سایر کف پوش‌ها
۴/۶	۹/۲	۲/۹	۳/۲	۴/۲	۵/۶	۵/۸	چدن، آهن و فولاد
۵	۷/۴	۱۱/۱۴	۱۰/۵	۱۱	۱۲	۹/۳	محصولات شیمیایی آلی
۲/۷	۴/۱	۹/۹	۱۱/۱	۱۳/۶	۱۳/۸	۱۲	مواد پلاستیکی
۱۳/۱	۱۱/۴	۶/۵	۷/۶	۶/۴	۷/۶	۵/۴	میوه‌های خوراکی

منبع: محاسبات محقق از داده‌های گمرک

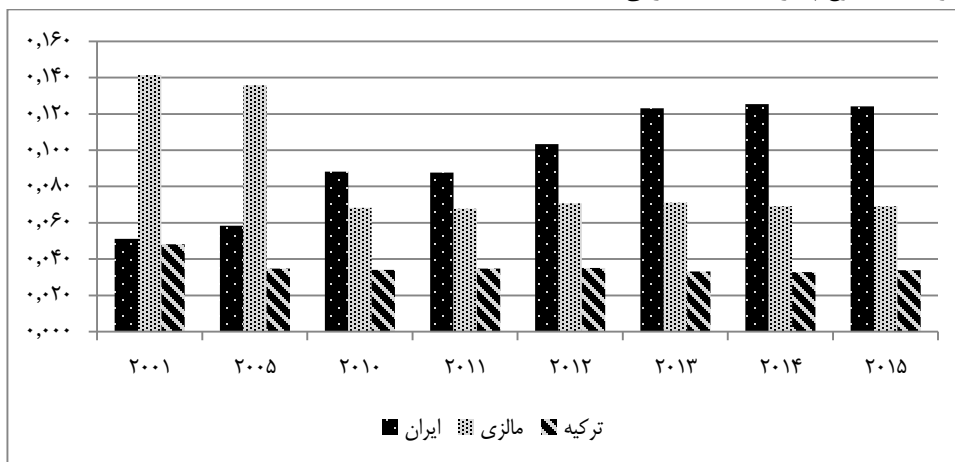
در کشور ترکیه بیشترین صادرات متعلق به وسایل نقلیه بوده و دومین و سومین کالایی که بیشترین سهم را در صادرات دارد، راکتورهای هسته‌ای و دیگ‌های آب گرم و چدن، آهن و فولاد بوده است. صادرات لباس و ماشین آلات برقی و مصنوعات حاصل از چدن، آهن و فولاد در طول دوره زمانی مشخص تغییرات اساسی را تجربه کرده است طوری که سهم صادرات لباس افزایشی بوده است، آنچه که برای اقتصاد ترکیه دارای اهمیت بالایی است، توزیع صادرات در بین گروه‌های کالایی مختلف است، طوری که هر کدام تقریباً ۴ تا ۵ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌دهند و صادرات ۱۰ گروه سهمی برابر با ۵۰ درصد را تشکیل می‌دهد که تنوع بهتری را نشان می‌دهد.

تخصص در تولید و صادرات ماشین آلات و دستگاه‌های برقی تقریباً بین ۲۵ تا ۳۰ درصد از کل صادرات مالزی را تشکیل می‌دهد و این سهم از صادرات رو به افزایش بوده است. از آنجا که فعالیت‌های صنعتی نقش مهمی را در صادرات کشور مالزی دارد، آسیب‌پذیری کشور مالزی علی‌رغم بالا بودن شاخص تمرکز، کمتر از کشور ایران است.

تنوع کشورهای مقصد صادرات یکی از الزامات اساسی برای ثبات درآمد ارزی است، به همین دلیل هر چه میزان تنوع بالاتر باشد، احتمال نوسان درآمد کاهش می‌یابد. اقتصاد مقاومتی نیز بر افزایش تنوع پذیری مقصد صادرات تأکید دارد، شواهد برای تنوع مقصد صادراتی در نمودار (۴) نشان می‌دهد که براساس داده‌های اداره گمرک ایران و شاخص تمرکز هرفیندال-هیرشمن میزان تنوع پذیری در مقایسه با اقتصاد مالزی و ترکیه در وضعیت نامناسبی قرار دارد، در سال ۲۰۰۱ شاخص تمرکز ایران و ترکیه تقریباً برابر است، اما این روند در بازه ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ به صورت شکاف بالایی بین اقتصاد ایران و اقتصادهای ترکیه و مالزی نمودار شده است، تحریم اقتصادی و عدم ارتباط اقتصادهای مختلف با ایران باعث شده که مقصد صادرات ایران به کشورهای کمتری محدود شود، و این یکی از دلایل اصلی برای عدم ثبات درآمد ارزی است.



نمودار-۴. تنوع پذیری مقصد صادراتی



منبع: محاسبات محقق از داده‌های گمرک

بررسی ترکیب کشورهای مقصد نیز دارای دلالت‌های مفیدی برای اقتصاد است، ترکیب تجاری ایران در سال ۱۳۸۰ به این صورت بوده است که امارات به تنهایی ۱۵ درصد کل صادرات ایران را جذب کرده و کشورهای آلمان، آذربایجان و ژاپن به ترتیب ۷/۴، ۷/۴ و ۵/۶ درصد از کل صادرات ایران را جذب نموده‌اند، اما در سال ۱۳۹۳ کشورهای چین، عراق و امارات به عنوان سه شریک بزرگ تجاری ایران مطرح بوده‌اند، همچنین کشور افغانستان نیز همواره یکی از ۵ کشور بزرگ شریک ایران قرار داشته‌اند، آنچه قابل ذکر است، روند روبه افزایشی صادرات ایران به چین بوده است که از ۴ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است. کشورهای همسایه از قبیل عراق، افغانستان و ترکیه ظرفیت‌های بالقوه‌ای را برای صادرات ایران فراهم کرده‌اند که می‌توان با استفاده از سیاست‌های بهینه سهم عمده‌ای از بازارهای آنها را تسخیر کرد. یکی از موانع اصلی تولید و صادرات، بالا بودن حجم قاچاق است. قاچاق هر گونه سیاستی حمایتی از تولید را با مشکل مواجه می‌کند. به همین دلیل در این قسمت به بررسی میزان قاچاق در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود.

۳-۳. اندازه گیری قاچاق

عواملی رونق دهنده قاچاق عبارتند از رسوخ فرهنگ مصرفی، ایجاد تمایل به مصرف کالاهای تجملی در اقشار مردم، حجم وسیع تبلیغات برای خرید کالاهای خارجی در رسانه‌های جمعی به خصوص صدا و سیما، ناکارآمدی مراکز صنعتی در تولید محصولات با هزینه کم و کیفیت بالا و جوابگویی به نیاز کمی و کیفی مصرف کنندگان. بنابراین نوع نگاه جامعه به قاچاق ناشی از عوامل رفتاری است.



جدول (۲) نتایج حاصل از برآورد آماری قاچاق بر طبق گزارش‌های اداره گمرک ایران و داده‌های تجارت جهانی^۱ در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ را نشان می‌دهد، بر طبق آمارهای به دست آمده در سال ۱۳۸۹ میزان قاچاق برابر با ۱۳ میلیارد دلار بوده و این رقم در سال ۱۳۹۳ به میزان ۲۷ میلیارد دلار افزایش یافته است، این در حالی است که کل واردات رسمی در سال ۱۳۸۹ برابر با ۶۴ میلیارد دلار و در سال ۱۳۹۳ برابر با ۵۳ میلیارد دلار است، بنابراین اگرچه واردات در اقتصاد کاهش یافته است که ممکن است برای اقتصاد مطلوب باشد، ولی میزان قاچاق افزایش یافته است، به عبارتی واردات غیررسمی و یا قاچاق جایگزین واردات رسمی شده است و این برای اقتصاد در حال توسعه ایران دارای زیان‌های جبران‌ناپذیری است، همچنین نسبت قاچاق به کل واردات رسمی دارای روند فزاینده‌ای بوده است، طوری که در سال ۱۳۸۹ این رقم برابر با ۲۱ درصد و این رقم در سال ۱۳۹۳ برابر با ۵۱ درصد است.

جدول-۲. قاچاق و واردات (بر حسب هزار دلار)

کل قاچاق وارد شده	کل واردات رسمی	سهم قاچاق از چین	سهم قاچاق از امارات
۱۳۹۶۱۵۱۴	۶۴۴۴۹۸۰۳	۰/۳۸	-
۲۶۴۹۸۱۹۹	۶۱۸۰۸۱۹۰	۰/۲۸	-
۲۵۵۰۶۰۵۱	۵۳۴۵۰۸۴۳	۰/۱۳	۰/۲۲
۲۱۲۱۳۶۷۸	۴۹۷۰۹۳۰۳	۰/۲۰	۰/۲۹
۲۷۶۱۰۹۳۵	۵۳۵۶۹۴۸۲	۰/۴۲	۰/۱۷

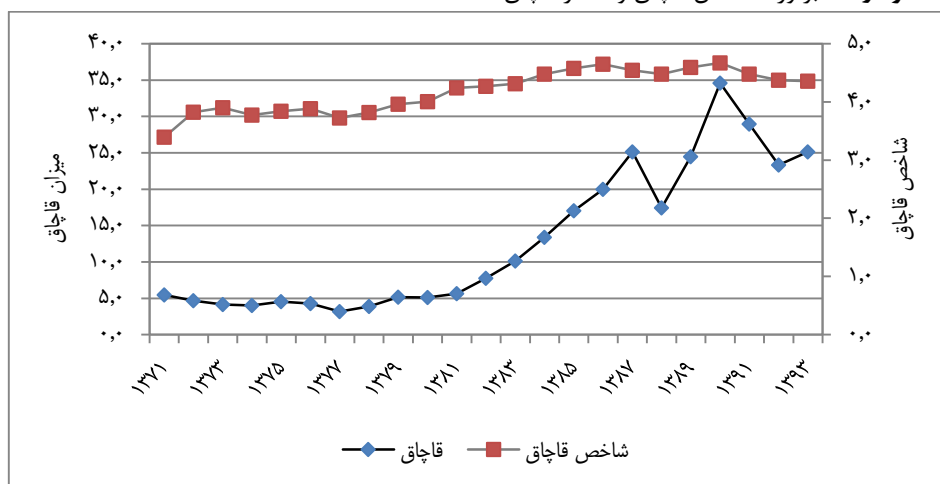
منبع: محاسبات اداره گمرک و داده‌های تجارت جهانی

در سال‌های اخیر روند تجارت ایران و شرکای تجاری کشور به صورت شدیدی تغییر کرده است و سهم واردات از کشور چین چه به طور رسمی و چه به طور غیررسمی به شدت افزایش یافته است، طوری که بر طبق داده‌های موجود سهم قاچاق وارد شده از کشور چین در سال ۱۳۸۹ برابر با ۳۸ درصد و در سال ۱۳۹۳ برابر با ۴۲ درصد است، سهم قاچاق از امارات در سال ۱۳۹۱ برابر با ۲۲ درصد و در سال ۱۳۹۳ برابر با ۱۷ درصد است. یکی از اصلی‌ترین دلایل وجود قاچاق در دو کشور مذکور وجود تحریم‌های غرب علیه ایران بوده است، چرا که چین در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ میزان حجم صادرات خود را به ایران از رقم ۴۲ میلیارد دلار به رقم ۱۱۶ میلیارد دلار رسانده است و این به دلیل عدم شرکای تجاری برای ایران بوده و در واقع نشانگر عدم برنامه‌های منسجم در کشور برای برخورد با شوک‌های خارجی است. بنابراین ارائه‌ی سیاست‌های مبتنی بر اقتصاد مقاومتی می‌تواند اقتصاد کشور را در مقابل شوک‌های بیرونی مقاوم نماید.

۱. داده‌های مورد استفاده از سایت Comtrade اخذ شده است.

نمودار (۵) برآورد شاخص قاچاق را با استفاده از روش MIMC را نشان می‌دهد، در سال‌های اولیه مطالعه هم شاخص قاچاق افزایش یافته است و هم میزان قاچاق در اقتصاد افزایش یافته است، اما در سال‌های پایانی نوساناتی در میزان قاچاق ایجاد شده است که این نشان دهنده تغییرات میزان قاچاق صادرات است، با هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش قیمت انرژی این سهم کاهش یافته است، در واقع مشکل اصلی برای اقتصاد ایران، افزایش قاچاق واردات است. یکی از علل اصلی تفاوت مقادیر برآوردی از قاچاق و مقدار واقعی به دلیل عواملی است که به وسیله مدل‌ها قابل توضیح نیست، در واقع عوامل رفتاری موجود در جامعه است.

نمودار-۵. برآورد شاخص قاچاق و مقدار قاچاق



منبع: یافته‌های تحقیق

۴. نتیجه گیری و پیشنهادات

تحریم اقتصادی غرب علیه کشورهای مختلف دارای پیشینه‌ای طولانی است، بنابراین اقتصادها همواره در معرض شوک‌های خارجی قرار دارند، در همین رابطه نسخه اقتصاد مقاومتی به عنوان راه برون رفت از تأثیر شوک‌های خارجی تعریف می‌شود، که در راه عزت جامعه، تولید در اقتصاد را درون‌زا می‌کند. شرایط اقتصاد کشور در حوزه بین‌الملل متأسفانه با کاستی‌ها و ضعف‌های جدی مواجه است، تنوع‌سازی کالاهای صادراتی با تغییرات گسترده‌ای مواجه بوده است. به طوری که در حال حاضر سهم عمده‌ای از صادرات کشور وابسته به فرآورده‌های نفتی است. در بخش واردات نیز سهم واردات از نوع کالاهای لوکس (خودرو) و کالاهای ضروری افزایش یافته است که این موارد در تضاد با بندهای اقتصاد مقاومتی است. کاهش تعداد مبادی ورودی کالا و سهم ۴۷ درصدی واردات کالا از کشورهای چین و امارات



باعث افزایش هزینه‌های تولید در اقتصاد شده است، و این روند در بلندمدت منجر به افزایش وابستگی می‌شود. قاچاق نیز روندی مناسبی در اقتصاد کشور تجربه نکرده است، قاچاق برآوردی به روش آماری و MIMIC، به ترتیب در سال ۱۳۹۳ معادل ۲۷ و ۲۵ میلیارد دلار بوده است که نشان دهنده پایین بودن استقلال سیاست‌های حمایت از تولید ملی است، وابستگی بالا به درآمد نفتی و نبود درآمد پایدار منجر به این شده که براساس شواهد بانک مرکزی، میزان رشد اقتصادی کشور در دو سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ منفی باشد و این نشان دهنده آسیب‌پذیری بالای اقتصاد نسبت به شوک‌های خارجی است. برای برون رفت از شرایط حاضر و همچنین بالا بردن مقاومت اقتصادی کشور موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- افزایش تنوع صادرات کالایی: هر چه میزان تنوع صادرات بالاتر باشد، قدرت ایجاد درآمد باثبات برای اقتصاد حتی در شرایط فشار بالاتر خواهد بود، ظرفیت موجود در اقتصاد از نظر تعداد نیروی کار جوان و ماهر بایستی در راه تولید محصولات صنعتی به خصوص محصولات مورد تقاضای کشورها همسایه از قبیل ماشین‌آلات مکانیکی و برقی که مورد تقاضای کشورهای افغانستان و عراق است، به کار گرفته شود.

۲- افزایش تنوع مقصد صادراتی: هر چه میزان تنوع کشورهای مقصد صادرات بالاتر باشد، آسیب‌پذیری اقتصاد کاهش می‌یابد، در واقع با تحریم از جانب چند کشور درآمد صادراتی دچار چندان تغییری نمی‌شود.

۳- تنوع واردات از مبادی ورودی: هر چه میزان تنوع مبادی ورودی کالا کمتر باشد، هزینه تمام شده برای اقتصاد افزایش و قدرت چانه زنی طرف‌های تجاری افزایش و فرصت استفاده از رقابت فزاینده جهانی کاهش می‌یابد، با توجه به اینکه سهم کالاهای سرمایه‌ای بیش از کالاهای مصرفی در تجارت است، هزینه تولید افزایش یافته و بنابراین نمی‌توان کالاهای با کیفیت بالا را ارائه داد.

۴- قاچاق: قاچاق به عنوان یکی از پدیده‌های شوم اقتصادی محسوب می‌شوند، تنها راه کاهش قاچاق در اقتصاد تقویت روحیه جهادی مصرف‌کننده و تولیدکننده است. به این صورت که مصرف‌کننده، مصرف خود را از کالاهای داخلی افزایش دهد و تولیدکننده، کارایی و بهره‌وری خود را افزایش دهد، و این دو بایستی در کنار هم باشند، رسانه‌ها نیز نقش قابل قبولی را در کاهش قاچاق به واسطه تبلیغات برای کاهش فرهنگ مصرف‌گرایی دارند.



منابع

- آذربایجانی، کریم، راکی، مولود و همایون رنجبر (۱۳۹۰)، تاثیر متنوع سازی صادرات بر بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی (رویکرد داده‌های تابلویی در کشورهای دی هشت)، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۳): ۱۶۵-۲۰۱.
- تقی‌پور، انوشیروان و افسانه موسوی آزاد کسمایی (۱۳۸۰)، تحلیلی بر متنوع سازی صادرات و تاثیر آن بر افزایش درآمدهای ارزی غیرنفتی: مورد مطالعه ایران، پژوهش نامه بازرگانی، ۱۸: ۱۴۴-۱۰۹.
- جلیلی، سعید (۱۳۹۵)، اهمیت مبارزه با قاچاق کالا در تحقق اقتصاد مقاومتی، فصلنامه حبل‌المتین، ۱۴: ۱۰۶-۱۲۱.
- خوش چهره، محمد (۱۳۹۱)، سایت تابناک به نقل از روزنامه خراسان، ۹ مرداد.
- صامتی، مجید، صامتی، مرتضی و علی دلایی میلان (۱۳۸۸)، برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۴۴): به روش MIMIC، مجله مطالعات اقتصادی بین الملل، ۲۰(۲): ۸۹-۱۱۴.
- علیزاده، هانیه و فرهاد غفاری (۱۳۹۲)، برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل موثر بر آن، فصلنامه علوم اقتصادی، ۷(۲۵): ۳۱-۶۹.
- معمارنژاد، عباس، امام وردی قدرت اله، شایسته افسانه (۱۳۸۷)، بررسی اثر تنوع صادراتی بر رشد اقتصادی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی (سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۸)، فصلنامه علوم اقتصادی، ۲(۳): ۸۵-۱۰۰.
- نعمت‌اللهی، سمیه و علیرضا گرشاسبی (۱۳۹۳)، بررسی تغییرات تنوع پذیری صادرات غیرنفتی در شرایط تحریم‌های بین‌المللی با تاکید بر دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۳، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۴): ۷۵-۹۲.
- Agosin, M, Alvarez, R and Bravo-ortega, C (2012), **Determinants of export diversification around the world: 1962-2000**, *the world economy*, 35(3):295-315.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., and Vella, S. (2006). **Conceptualising and measuring economic resilience**. In L. Briguglio, G. Cordina, and E. Kisanga, E. (Eds.), *Building the Economic Resilience of Small States* (pp. 265-288). Malta: Islands and Small States Institute in collaboration with the Commonwealth Secretariat.
- Buehn, A, Farzanegan, M.R (2012), **Smuggling Around the World: Evidence from a Structural Equation Model**, *Applied economics*, 44(23):3047-3064.
- Feenstra, R. C. (2010). **Offshoring in the Global Economy: Microeconomic Structure and Macroeconomic Implications**, *MIT Press Books. The MIT Press*.



Ferreira. G. (2009), **From Coffee Beans to Microchips: Export Diversification and Economic Growth in Costa Rica**, *Southern Agriculture Economics*, 2009 annual Meeting, January 31-February 3.

Hassan, M, Schneider , F (2016). **Modelling the Egyptian Shadow Economy: A MIMIC model and A Currency Demand approach**, *Economics and Political Economy*,3(2): 309-339.

Lederman D. and W. Maloney (2003), **Trade Structure and Growth**, *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 3025.

Melitz, M. J. (2003), **The Impact of Trade on Intra-Industry Reallocations and Aggregate Industry Productivity**, *Econometrica*, 71(6): 1695-725.

Pourkazemi, M.H, Sherafat, M.N and Azari, Z.D (2013), **A Fuzzy Logic Approach to Estimate the Import of Smuggling in Iran**, *Iranian Economic Review*,17(2): 107-129.

Prebisch, R.(1950), **The Economic Development of Latin America and its Principal Problems**, *Economic Bulletin for Latin America*,7:1-12.

Schneider, F. Enste D (2000). **Shadow Economies: Size, Causes, and Consequences**. *The Journal of Economic Literature* 38(1): 77-114.

Singer, H. (1950), **The Distributions of Gains Between Investing and Borrowing Countries**, *the American Economic Review*, 40:473-485.



